

خبر دشت

سال چهارم - شماره ۱۲ - شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۸

گفتگوی اختصاصی «گوهر دشت» با مجید طاهرخانی
ملی پوش البرزی بولینگ



در آینده نزدیک، ایران در بولینگ حرف های
زیادی برای گفتن خواهد داشت

با یادداشت ها و تحلیل هایی از:

نیما بهدادی مهر
احمد شاهوند
زرنوش محمدی
امیررضا نوری پرتو

و مجموعه عکس های:
میلاذ فیروزان

از چهارمین دوره مسابقات بولینگ جام رسانه

نقد و بررسی فیلم «متری شیش و نیم»

به بهانه رکوردزنی به عنوان پرفروش ترین

فیلم غیر کمدی تاریخ سینمای ایران

کارگردانی جاه طلبانه سوار بر
فیلمنامه ای ساده انگارانه

جستاری در تلاش های انجام شده برای تثبیت

شمایل پلیس ایرانی در تلویزیون

به بهانه اکران «متری شیش و نیم»

کار آگاه را چه کسی کشت؟

دومین دوره مسابقات منچ اهالی رسانه برگزار شد

یک میلیون تومان

پاداش «خوش شانسی»!



خبر

دل خوش به لمس کاغذ چهار و دویستی یادورهمی های دلگرم کننده مسابقات جام رسانه و هت تریک تیم محبوب مان

احمد شاهوند

مدیرمسئول



۱) وزیر فرهنگ و ارشاد خبر داده که بزودی ۶ تا ۱۰ هزار تن کاغذ وارد بازار می شود و مشکلات چاپ نشریات تا حدودی برطرف خواهد شد. دلمان را به همین چند خط خوش می کنیم و منتظر می مانیم تا ببینیم با توجه به تاکید مقام معظم رهبری، اوضاع و احوال «کاغذ» مساعد می شود یا خیر. فعلا تا شرایط چاپ مهیا نشود، رویه انتشار الکترونیک هفته نامه «گوهردشت» را ادامه می دهیم به امید روزی که بار دیگر بتوانیم برگردیم روی پیشخوان کیوسک های مطبوعاتی.

۲) برگزاری مسابقات بولینگ و منچ اهالی رسانه به فاصله دو هفته از یکدیگر آن هم به همت مجید طاهرخانی و یارانش به بهانه فراهم آوردن لحظاتی خوب و خوش برای خبرنگاران و مطبوعاتی های استان البرز، اقدامی قابل تحسین و ستودنی است. دهمان گرم، پنج شنبه هفته گذشته (۲۶ اردیبهشت ماه) دومین دوره مسابقات منچ با حضور ۱۵۰ خبرنگار و عکاس در تالار ماه منیر مهرشهر با شور و هیجانی وصف ناپذیر برگزار شد که گزارشش را جداگانه در همین شماره می خوانید.

۴) فیلم «متری شیش و نیم» جدیدترین ساخته سعید روستایی که از ۲۶ اسفند ماه سال گذشته در سینماهای سراسر کشور به روی پرده رفت موفق شد در عرض کمتر از دو ماه به رقم ۲۵ میلیارد تومان و جذب بیش از ۲ میلیون نفر تماشاگر دست یابد. تا اینجا به لحاظ رقمی، پس از «هزارپا» دومین فیلم پر فروش تاریخ سینمای ایران است اما به لحاظ رده بندی پر فروش ترین فیلم های غیر کمندی سینمای ایران، رکورد فیلم قبلی سازنده اش، «ابد و یک روز» را شکست و در صدر قرار گرفت.

۵) بهنام صفوی رفت تا مرتضی پاشایی تنها نباشد. دو خواننده پر مخاطب و جوان موسیقی ایران به شکلی ناباورانه با بیماری هایشان مبارزه کردند و در نهایت پس از سختی بسیار، قافیه را باختند. روح بهنام صفوی شاد. گفتگویی که یاسر یگانه چهار سال پیش در خبرگزاری تسنیم با او انجام داده را باز نشر کردیم. خوانندش را از دست ندهید.

۶) پرسپولیس برای سومین سال متوالی با برانکو قهرمان لیگ برتر فوتبال ایران شد تا اولین «هت تریک» قهرمانی در تاریخ لیگ برتر را به نام خود سند بزند. اتفاقاتی که در دو هفته اخیر لیگ در امر قضاوت داوران برای سه تیم بالای جدول رخ داد، کمی قهرمانی قرمزها را کم رنگ کرد اما بهر حال نمی توان تلاش یک ساله یک تیم را اینچنین زیر سوال برد.

برانکو یکی از دلایل اصلی ثبت این افتخارات است. او کاری کرد که قطعا برای همیشه در تاریخ باشگاه پرسپولیس ثبت خواهد شد و طرفداران دو آتشیه، نام او را هیچ گاه فراموش نخواهند کرد.



دومین دوره مسابقات منچ اهالی رسانه برگزار شد

یک میلیون تومان، پاداش «خوش شانسی»!

- ۲- محمد ایل بیگی (جایزه: ۳۰۰ هزار تومان جایزه نقدی)
- ۳- دانیال ایل بیگی (جایزه: ۲۰۰ هزار تومان جایزه نقدی)
- ۴- فرزانه اسحاقی (جایزه: ۱۰۰ هزار تومان جایزه نقدی)

به علی آشوری، میلاد فیروزان، الناز حسینی و مهشید ابراهیمی هم که بازنده های مرحله یک چهارم نهایی بودند مبلغ ۱۰۰ هزار تومان جایزه نقدی اهدا شد. مسابقات تا افطار به طول انجامید و از اصحاب رسانه طی مراسم افطار و شام، پذیرایی مفصل به عمل آمد. شور و شوق و هیجان و خوشحالی وصف ناپذیر خبرنگاران و عکاسان البرزی، نشان از رضایت اهالی رسانه از برگزاری این دوره از مسابقات داشت.

چهار دوره مسابقه بولینگ و دو دوره مسابقه منچ به همت مجید طاهرخانی برای اهالی رسانه البرز برگزار شده که جا دارد همین جا از ایشان و یارانشان تشکر و قدردانی کنیم.

دومین دوره مسابقات منچ جام رسانه استان البرز عصر پنج شنبه ۲۶ اردیبهشت در تالار ماه منیر مهرشهر برگزار شد. این مسابقات با حضور بیش از ۱۳۰ فعال رسانه ای استان و اعضای خانواده شان در کرج برگزار و در پایان به نفرات اول تا هشتم جوایز نقدی اهدا شد.

در این مسابقات که از ساعت ۱۶ آغاز شد، اهالی رسانه پس از قرعه کشی، در گروه های چهار نفره به مبارزه پرداختند که از هر گروه نفرات اول و دوم راهی دور دوم شدند.

در دور هم شرکت کنندگان در گروه های چهار نفره رقابت کردند که این بار از هر گروه، فقط نفر اول به دور سوم صعود می کرد.

از دور چهارم، بازی ها به صورت دو نفره برگزار شد که پس از انجام مراحل نیمه نهایی، رده بندی و فینال، نفرات برتر به صورت زیر مشخص شدند:

- ۱- زینب شریعت (جایزه: یک میلیون تومان جایزه نقدی)



باز خوانی یک گفت‌وگو با بهنام صفوی

روزهای خوب...



یاسر یگانه - حدود چهار سال پیش به دیدار بهنام صفوی رفتم. آن زمان سه ماهی از عمل جراحی‌اش می‌گذشت. عملی سخت برای متوقف کردن توموری بدخیم در سر بهنام. عمل با موفقیت انجام شده بود و بهنام هم با ارکسترش تمرین می‌کرد تا کنسرتی در تهران برگزار کند. پزشکان برایش شرط گذاشته بودن که مبادا خیلی به خودش فشار بیاورد. به هر روی بهنام صفوی تسلیم نشد و با موسیقی و آواز و اجرا روحیه‌اش را برای مقابله با بیماری‌اش حفظ کرد. در نهایت این مبارزه تمام شد. بهنام صفوی برای همیشه از میان ما رفت. اما آنچه از او باقی ماند خاطره‌های خوبی است که از خود به جا گذاشت.

وقتی در مهر ۱۳۹۴ به استودیو «فراز» رفتم تا تمرین‌های بهنام صفوی با گروهش را ببینم، بیش از هر چیز افتادگی و اخلاق نیک این خواننده توجهم را جلب کرد. وقتی هم به گفت‌وگو نشستیم، آسودگی و آرامشش در پاسخ دادن به پرسش‌ها برایم جالب بود.

روز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت که خبر درگذشته بهنام صفوی جامعه موسیقی را در سوگ برد، یکی از دوستان عکاسم، عکسی برایم فرستاد که مربوط به همان گفت‌وگویم با صفوی در حدود چهار سال پیش بود. همین مسئله انگیزه شد تا حاصل آن گفت‌وگو را بار دیگر بازنشر کنیم. در ادامه حاصل گفت‌وگویی را می‌خوانید که حدود چهار سال پیش با بهنام صفوی انجام شده است.

تنها خانواده‌ام و چند تن از دوستان نزدیکم از ماجرا با خبر بودند. داروهایی که مصرف می‌کنیم انرژی بسیاری از آدم می‌گیرد.

صفوی درباره پیشرفت تومورش و سپردن آن به تیغ جراحی می‌گوید: چند ماه قبل از عمل جراحی در یک آم آر آی متوجه شدم که تومار رشد محسوسی داشته و به خط اصلی مغزم رسیده و راهی جز عمل جراحی باقی نمانده است.

وی ادامه می‌دهد: عمل جراحی‌ام به همت پروفیسور باباپور و تیم پزشکی‌اش به خوبی انجام شد. بعد از عمل جراحی قرار بود که دو روز بی‌هوش باشم اما این بی‌هوشی ۳ روز طول کشید. همین امر خیلی‌ها را نگران کرده بود و شایعه‌هایی هم ایجاد کرده بود که صفوی به کما رفته است. بعد از ۳ روز هوشیاری‌ام را به دست آوردم و نسبت به آن عمل سنگین خیلی زود حالم بهتر شد.

بهنام صفوی در سخنانی که آن را شفاف سازی برای مردم و مخاطبان می‌داند، می‌گوید: تومور مغزی که من داشتم بعد از پاتوبیولوژی مشخص شد که تومور بدخیم است و امکان رشد دوباره این تومور هست. به همین دلیل مراحل درمانی شیمی‌درمانی و پرتو درمانی را دارم. این مراحل درمان شامل تمام کارهای پیشرفته درمان در این زمینه است تا احتمال دوباره رشد این تومور از بین برود.

صفوی درباره تاثیر بیماری بر صدایش می‌گوید: به قطع این بیماری تاثیراتی می‌گذارد. قرص‌هایی که برای شیمی‌درمانی می‌خورم عوارضی بر روی تارهای صوتی دارد. اما الان با تمرین‌هایی که دارم سعی می‌کنم تارهای صوتی را تقویت کنم که دچار مشکل نشوم.

در پایان این گفت‌وگو، بهنام صفوی در توضیح قطعه‌هایی که برای این کنسرت می‌خواند، تاکید می‌کند: رپرتوار جدیدی برای این کنسرت داریم. شامل تازه‌ترین آثار من از جمله قطعه‌ی «حیف» است که حدود ۱۰ روز از انتشار آن می‌گذرد. این کنسرت شاید بهترین کنسرتی باشد که در سال‌های گذشته داشته‌ام. تازه‌ترین آلبوم نیز با نام «معجزه» بعد از محرم و صفر منتشر می‌شود.

در پایان این گفت‌وگو بهنام صفوی به همراه گروهش به تمرین پرداختند.

خبرگزاری تسنیم

طی کردن مراحل درمان حدود ۳ ماه فاصله افتاده میان اجراهایم. خیلی دوست داشتم برای بالا بردن روحیه‌ام و دیدار با هوادارنم اجرایی داشته باشم.

وی ادامه می‌دهد: این کار نیاز به چند اجازه داشت؛ از همه مهمتر اجازه‌ی اجرای جراحی بود، چرا که این روزها چکاپ‌های دوره‌ای دارم. پروفیسور باباپور که جراحیم بود در آن مقطع در ایران نبود به همین دلیل از دو دکتر دیگرم اجازه گرفتم که خوشبختانه اجازه دادند.

خواننده آلبوم «عشق من باش» درباره شرط پزشکان برای برگزاری کنسرتش می‌گوید: شرط پزشکان برای اجراییم این بود که خیلی به خودم فشار نیاورم و کنسرتم تنها در حد یک سانس باشد. حجم صدا و استرس و هرگونه نور مستقیم و غیر مستقیم برای من مضر است. به همین دلیل و براساس قاعده حداقل تا یک سال آینده نباید برنامه‌ای اجرا می‌کردم. اما با اصرار من پزشکانم را متقاعد کردم که اجرایی داشته باشم.

وی ادامه می‌دهد: پروفیسور باباپور چند روز پیش به ایران آمده بود و پس از معاینه من در نهایت اجازه‌ی برگزاری کنسرت را به من داد. البته تاکید کرد که به دلیل عمل مغزی که داشته‌ام نباید خیلی به خودم فشار بیاورم. صفوی تاکید می‌کند: الان هر روز سر تمرین هستم و با همه سختی‌ها پیش می‌رویم تا در جمعه ۱۷ مهر به روی صحنه برویم.

خواننده آلبوم «عشق من باش» می‌گوید: آخرین اجراییم خرداد سال جاری در شهر سبزوار بود. از اواسط تیر هم برای عمل جراحی بستری شدم.

صفوی درباره نخستین روزهای درگیری‌اش با بیماری می‌گوید: حدود دو سال و نیم است که می‌دانم این بیماری را دارم. نخستین بار با تشنجی که در خانه دچارش شدم علائمش معلوم شد. پس از چند بار تکرار این تشنج‌ها پزشکان با ام آر آی که از من گرفتند متوجه شدند که تومور نسبتاً بزرگی در قسمت بالای سرم هست. با مراجعه به دکتر و ام آر آی‌های بعدی و با داروهایی ضد تشنج، بیماری را حدود دو سال و نیم کنترل کردیم.

وی ادامه می‌دهد: در آن زمان اجراهای بسیاری هم داشتم اما کسی از اطرافیان از اجرائی بیماری من خبری نداشت.

روزهای اول مهر که حکایت از مهر و مهربانی دارد، با تراکم کنسرت‌های موسیقی در پایتخت همراه شده است. کنسرت‌هایی که چهره‌های شناخته شده‌ی موسیقی ایرانی و موسیقی پاپ را در برمی‌گیرد.

اما در این میان کنسرتی که ۱۷ مهر برگزار می‌شود، شاید حس‌وحال متفاوتی داشته باشد. بهنام صفوی خواننده موسیقی پاپ پس از عمل جراحی مغزی که حدود ۳ ماه پیش داشته، بار دیگر به روی صحنه می‌رود تا برای هوادارانش اجرایی داشته باشد.

صفوی قرار است تازه‌ترین قطعه‌هایش را در این اجرا بخواند. بسیاری از علاقه‌مندان و حتی عموم مردم نگران سلامتی این خواننده هستند. برای آگاهی از اوضاع کنونی این خواننده سری به محل تمرین گروهش در استودیو «فراز» زدیم.

صفوی در ابتدای صحبت‌هایمان درباره اوضاع کنونی‌اش می‌گوید: خدا رو شکر الان حال خوب است و مراحل درمان را ادامه میدهم. الان در مرحله پرتو درمانی و شیمی‌درمانی هستم. پرتو درمانی‌ام تمام شده و مراحل شیمی‌درمانی را تا دو سال ادامه می‌دهم.

این خواننده در بیان انگیزه‌اش برای برگزاری کنسرت تاکید می‌کند: هر هنرمندی دوست دارد که اثرش را برای مخاطبانش به نمایش بگذارد. به دلیل عمل جراحی و





نقد و بررسی فیلم «متری شیش و نیم»

به بهانه رکوردزنی به عنوان پر فروش ترین فیلم غیر کمدی تاریخ سینمای ایران

کارگردانی جاه طلبانه سوار پر فیلمنامه ای ساده انگارانه



امیر رضائوری پرتو

نویسنده و منتقد

(دیالوگ‌های این صحنه نیز درخشان نوشته شده‌اند) و در ادامه آگاهی «صمد» و نیروهایش از این که «ناصر خاک‌زاد» همان «علی رستمی» است که پیش‌ترها حکم‌اش اعدام بوده و پس از فرار - با پرونده‌سازی - توانسته تغییر هویت بدهد، کش‌مکش دراماتیک پدیدآمده میان «صمد» و «ناصر/علی» را رنگ‌وبویی بهتر و عمیق‌تر می‌بخشد. اما درست از همین جاست که فیلم‌نامه «متری شش و نیم» وارد یک فصل طولانی ملال‌آور می‌شود که نه درام شکل گرفته و جاری در اثر را پیش می‌برد و نه اشتیاق «روستایی» برای کارگردانی خودنمایانه و اثبات‌چیرگی‌اش در ترسیم میزانشن‌هایی متکی بر کاراکترهایی فراوان (که اوج‌اش را در فصل طولانی حضور «ناصر/علی» در سلولی می‌بینیم که لحظه‌به‌لحظه بر تعداد زندانیان‌اش افزوده می‌شود)، می‌تواند به رفع و حل این ملال فراینده کمی کند. کش‌مکشی دراماتیک که میان «صمد» و «حمید» بر سر پیدا کردن بسته مواد مخدر در ابتدای فیلم شکل گرفته و به پرونده باز «صمد» از شش ماه گذشته نیز پیوند می‌خورد (کاشتی در «پیش‌داستان/ Back-story»)، با خشم و کینه «حمید» از «ناصر/علی» و این که «صمد» می‌خواهد «ناصر/علی» را درباره تمام اتهام‌هایش بی‌درسر به حرف بیاورد، به یک مثلث جذاب مردانه با تمرکز بر جدال بیرونی این سه کاراکتر تبدیل نمی‌شود. حتی زمانی که «حمید» به اوج رویارویی با «صمد» می‌رسد و به خود دست‌بند می‌زند و هم‌چنین در ادامه و در زمان حضور «صمد»، «ناصر/علی»، «حمید» و «شکاتی» در ماشین حمل مجرم به‌سوی دادگاه، این امید هم‌چنان در دل مخاطب زنده است که کش‌مکش تخت و نیم‌بند پدیدآمده میان پروتاگونیست و آنتاگونیست این درام با یک چالش و بحران دراماتیک بزرگ‌تر به مرحله‌ای تازه‌تر برسد. اما در این میان، «صمد»، «ناصر/علی» را رها می‌کند و روشن هم نمی‌شود که چرا «ناصر/علی» پس از کمی دویدن می‌ایستد و دوباره به چنگ «شکاتی» می‌افتد (آیا این که «ناصر/علی» می‌داند جایی برای گریز و پنهان‌شدن ندارد، برای این قاچاق‌چی

می‌کند - بازی درخشان «پیمان معادی» و دیالوگ‌هایی هوش‌مندانه که برای کاراکتر «صمد» نوشته شده، اجازه نمی‌دهد که درام در آستانه شکل‌گیری در یک‌سوم نخست فیلم رنگ‌وبویی گزارشی و شکل واقعیت‌صرف‌بازسازی‌شده را به خود بگیرد. «صمد» که در پی «ناصر خاک‌زاد» است، با همان تسلطی که در اتاق بازجویی از خود نشان می‌دهد، با زیر فشار گذاشتن «لهام» (پری‌ناز ایزدیار) - نامزد پیشین «ناصر خاک‌زاد» - به خانه اعیانی او در شمال شهر تهران می‌رسد. جنس دکوپاژ پلان‌های صحنه ورود مأموران به خانه «ناصر خاک‌زاد» ثابت می‌کند که «سعید روستایی» در زمره آن دسته از کارگردان‌های نسل جوان جای نمی‌گیرد که تنها و تنها بلندند صحنه‌های مربوط به درام‌های آپارتمانی را - آن هم به ساده‌ترین شکل ممکن - کارگردانی کنند؛ بلکه نشان می‌دهد از پس کارگردانی کلاسیک و کمی دشوار مبتنی بر الگوهای فیلم‌سازی در ژانر نیز به‌خوبی برمی‌آید و می‌توان به آینده فیلم‌سازی‌اش بیش‌ازپیش امیدوار ماند. البته نورپردازی خاص «هومن بهمنش» در این صحنه نیز به‌خوبی به کمک «سعید روستایی» آمده است. از دید روند پیش‌رفت درام اثر نیز باید سکانس دست‌گیری «ناصر خاک‌زاد» (نویید محمدزاده) در آن خانه اشرافی را یک نقطه عطف مهم در فیلم‌نامه «متری شش و نیم» دانست. پس از نجات «ناصر خاک‌زاد» از مرگ خودخواسته، مخاطب انتظار دارد که کش‌مکش میان «صمد» و «ناصر» به‌شیوه درام‌هایی پلیسی با تم دشمنی/رفاقت مردانه، داستان فیلم را - که مقدمه‌ای طولانی داشته، اما به‌لطف شیوه زنده‌شدن‌اش در برابر دوربین «سعید روستایی» خسته‌کننده و ملال‌آور به‌نظر نمی‌رسد - از دید الگوهای درام‌نویسی، وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر کند. حتی خشم و کینه چندساله «حمید» نسبت به «ناصر خاک‌زاد» - به‌دلیل کشته‌شدن فرزندش - این انتظار تماشاگر را از افتادن در دل یک پرده دراماتیک پرافتوخیز و پرکش‌مکش بالاتر می‌برد. در ابتدای این پرده جدید از فیلم‌نامه «متری شش و نیم»، پیش‌نهاد مالی و وسوسه‌کننده «ناصر» به «صمد»

شروع کوبنده دومین تجربه سینمایی «سعید روستایی» نوید یک درام/تریلر شهری و خیابانی نفس‌گیر را می‌دهد. صحنه تعقیب و گریز «حمید» (هومن کیایی) و «جوان موافروش» در کوچه‌ویس کوچه‌های محله‌های پایین شهر، به مدد تقطیع الگومند و چشم‌گیر نماها در دکوپاژ، تدوین درخشان «بهرام دهقانی» و موسیقی کوبه‌ای «پیمان بردانین»، و هم‌چنین در ادامه، دو سکانس گردآوری معنادار از وسط بزرگ‌راه و نیز از بیغوله بزرگ حاشیه شهر - که چیرگی «روستایی» و فیلم‌بردارش، «هومن بهمنش»، را بر ابزار و جزئیات کارشان فریاد می‌زند و ثابت می‌کند - فصل افتتاحیه «متری شش و نیم» را به یکی از بهترین شروع‌ها، میان آثار چندسال اخیر سینمای ایران تبدیل می‌کند. حتی در دکوپاژ و میزانشن صحنه شلوغ و پرکاراکتر برهنه کردن و دسته‌بندی معنادار دست‌گیرشده این تسلط خودنمایانه کارگردان بر مدیوم تصویر بیش‌ازپیش به چشم می‌آید. اما پس از این فصل‌های شلوغ و پرسرودا انتظار داریم که درام اثر آرام‌آرام آغاز شود و رنگ بگیرد. از این جاست که با کاراکتر «صمد» (پیمان معادی) بیش‌تر آشنا می‌شویم و بی‌می‌تربیم که او آدمی زبده است که به پیش‌رفت در کارش نیز چشم طمع دارد و هم‌چنین به هم‌سر پیشین خود - که گویا با شغل او مشکل داشته - رجوع کرده و او را دوباره به سر خانه و زندگی‌اش بازگردانده است. در فصل دست‌گیری «رضا مرادی» (علی باقری) و به‌ویژه در سکانس بازجویی «صمد» از «رضا مرادی» و در ادامه در صحنه بازخواست «حسن دلیری/حسن گاو» و آن‌سه آدم جاق - که با جاسازی مواد مخدر در شکم‌های‌شان قصد انتقال این مواد به ژاپن را دارند و «صمد» در فرودگاه دست‌گیرشان

موفقیت «ابد و یکرز» تصادفی و اتفاقی نبوده است؛ اما اگر می‌خواهد به این مسیر خوب و مطمئنی که در آن قرار گرفته و البته هنوز در ابتدایش ایستاده ادامه دهد، باید همان قدر که به تجربه‌اندوزی و هوشمندی‌های ستایش‌برانگیزش در زمینه کارگردانی توجه و دقت و وسواس نشان می‌دهد، به فیلم‌نامه آثارش نیز خیلی بیش از این‌ها بپردازد.



● کارگردان:
سعید روستایی

● بازیگران:
پیمان معادی، نوید محمدزاده، فرهاد اصلانی، پرنیاز ایزدیار، هومن کیایی

● مدیر فیلمبرداری:
هومن بهمنش

● تدوین:
بهرام دهقانی

● موسیقی متن:
پیمان یزدانیان

● تهیه کننده:
سیدجمال ساداتیان

● خلاصه داستان:
چند تن از مأمورین پلیس مبارزه با مواد مخدر به سرتمی صمد (پیمان معادی) به دنبال فروشنده بزرگ شیشه در تهران به اسم ناصر خاکزاد (نوید محمدزاده) هستند.

● جوایز و افتخارات:
(در جشنواره سی و هفتم فیلم فجر) برنده سیمربلغ بورین بهترین صدابرداری، بهترین تدوین و فیلم منتخب تماشاگران

● تاریخ اکران:
۲۶ اسفند ۱۳۹۷

● فروش:
حدود ۲۵ میلیارد تومان تا ۲۷ اردیبهشت ۹۸

از «صمد»، او به‌شکلی کامل از دل مناسبات داستان فیلم نیز کنار گذاشته می‌شود؛ که البته معلوم نیست فشارهای فرامتنی و دستگاه ممیزی تا چه اندازه روی پُررنگ‌تر شدن این نقطه‌ضعف بزرگ فیلم‌نامه اثر تأثیر گذار بوده است. حتی زمانی که فیلم در دل احساسات‌گرایی‌های مفرط خود در یک‌سوم پایانی‌اش، به درونیات و ذهنیات «ناصر/علی» نزدیک می‌شود و هم‌چنین رابطه او با اعضای خانواده‌اش را در اتاق ملاقات زندان برای مخاطب کمی آشکار می‌کند، به‌دلیل آن‌که این آشنایی بیش‌تر با این کاراکتر، زودتر از این‌ها و در دل مجموعه‌ای از روی‌دادها و موقعیت‌های نمایشی رُخ نمی‌دهد، به مرز هم‌ذات‌پنداری همه‌جانبه تماشاگر با کاراکتر «ناصر/علی» نمی‌رسد.

تک‌گویی‌ها (مونولوگ‌ها) و دیالوگ‌های کاراکتر «ناصر/علی» در دو جلسه پایانی دادگاه‌اش که بر حسرت‌ها و افسوس‌های بزرگ زندگی گذشته‌اش و نیز نگرانی برای آینده اعضای خانواده‌اش تمرکز دارد، با جنس دیالوگ‌نویسی‌ها و حتی مونولوگ‌های هوش‌مندانه یک‌سوم و یا حتی نیمه نخست فیلم‌نامه اثر قابل مقایسه نیست. در این فصل‌های پایانی، فیلم‌نامه «سعید روستایی» - از منظر یادشده - به‌دام‌سانتی‌مانتالیسمی تلویزیونی و کهنه‌می‌افتد و آن‌قدر در اغراق غرق می‌شود که شور و حس غریب و لازم را در مخاطب پدید نمی‌آورد و حتی در لحظه‌هایی دافعه‌انگیزی می‌شود. مشکل دیگر «متری شش‌ونیم» در یک‌سوم پایانی‌اش، مشکل «ریج‌بردن از چندین‌وچند پایان» است. فیلم می‌تواند در پایان جلسه پایانی دادگاه یا در خلوت «ناصر/علی» با وکیل‌اش تمام شود؛ می‌تواند در پایان صحنه طولانی ملاقات «ناصر/علی» با خانواده‌اش و جایی‌که «برادرزاده خردسال ناصر» لباس‌هایش را از روی میز برمی‌دارد، پایان یابد؛ حتی فیلم می‌توانست در صحنه اغراق‌شده اعدام «ناصر/علی» و چندتن دیگر از زندانیان تمام شود. اما در یک چرخش بی‌هوده از رئالیسم همه‌جانبه به‌سوی یک ناتورالیسم آمیخته به شعار، اغراق و احساسات‌گرایی کلیشه‌ای و البته در راستای همان نگاه تماتیک تقدیرگراییانه محبوب «سعید روستایی»، می‌بینیم که اعضای خانواده «ناصر/علی»، پس از اعدام او، به خانه محقرشان در پایین شهر و آن کوچه باریک بازمی‌گردند. حتی پس از این صحنه نیز «سعید روستایی» دل‌اش نمی‌آید که فیلم را تمام کند و در یک چرخش ناگهانی در زاویه روایت، پس از کمی غیبت «صمد» در روند جلوفتن داستان فیلم، «متری شش‌ونیم» با خلوت «صمد» در ماشین خود و پشت چراغ قرمز در صبح روز اعدام «ناصر/صمد» تمام می‌شود؛ آن‌هم در حالی که رابطه مردانه میان این دو شخصیت نتوانسته سر و شکلی دراماتیک و درست و الگومند به‌خود بگیرد.

نمی‌شود از «متری شش‌ونیم» حرف زد و از بازی درخشان «پیمان معادی» سخن نگفت؛ او در بیش‌تر صحنه‌های پُر دیالوگ فیلم از پس رعایت ریزه‌کاری‌ها و جزئیات گفتاری و رفتاری در نقش‌آفرینی‌اش برآمده و یکی از بهترین بازی‌های کارنامه نه‌چندان پُرشمار بازی‌گری‌اش و نیز از بهترین نقش‌آفرینی‌های چندسال اخیر سینمای ایران را رقم زده است. در سویی دیگر، شاید بازی «نوید محمدزاده» همان اغراق و برون‌گرایی نقش‌های محبوب این سال‌هایش را همراه داشته باشد، اما او نیز تمام توان و استعداد خود را در فیلم «سعید روستایی» به‌کار گرفته که به کاراکتر تخت، تک‌بعدی و کم‌و‌بیش بی‌پرداخت «ناصر خاک‌زاد/علی رستمی» رنگ و بُعد ببخشد. «هومن کیایی» نیز در نقش «حمید» نیز نوید ظهور یک استعداد خوب دیگر برای نقش‌های مکمل را می‌دهد.

«سعید روستایی» با «متری شش‌ونیم» ثابت می‌کند که

بزرگ شیشه که می‌داند حکم‌اش اعدام است و حتی تلاش همه‌جانبه‌اش را برای رهایی در ستاد و سلول دیده‌ایم، دلیل منطقی و باورپذیری‌ست؟) حتی روشن نمی‌شود که «ناصر/علی» با این سابقه پیچیده‌اش چرا به این آسانی و در حضور «حمید» زخم‌خورده اما دست‌نسته، در برابر «صمد» به این آسانی کم می‌آورد و با به‌بازی گرفته‌شدن احساسات‌اش خیلی کودکانه و ساده‌انگانه اعتراف می‌کند که حاضر نیست به هیچ‌کودکی آسیبی برسد و در فرمان قتل «فرزند حمید» به‌دست «پرویز عباسی» نیز نقشی نداشته و این «رضا ژاپنی» - شریک و وردست «ناصر/علی» بوده که فرمان در دیده‌شدن «فرزند حمید» را داده و غیرمستقیم سبب مرگ او شده است. شاید بد نبود که از این فصل و بروز احساسات و عواطف انسانی در «ناصر/علی»، رودرویی و دشمنی «صمد» و «ناصر/علی» جای خود را به یک نزدیکی یا حتی رفاقت تدریجی مردانه می‌داد (با حفظ جای‌گاه‌شان به‌عنوان پلیس و متهم) و از این مسیر کش‌مکش «حمید زخم‌خورده از مرگ فرزندش» با «صمد» از آن حالت اولیه‌اش و پیش‌رفته‌اش خارج می‌شد. اما افسوس که فیلم‌نامه «متری شش‌ونیم» به‌سوی این دست‌مایه الگویی و ژانری - که بهترین نمونه‌هایش را برای نمونه در فیلم‌های «مایکل مان» دیده‌ایم - نمی‌رود و البته آلت‌ناتیو و جای‌گزینی بهتر نیز در داستان‌اش نمی‌کارد و از آن بهره نمی‌گیرد.

رفتن به آشیزخانه تولید شیشه - که مخفی‌گاه «رضا ژاپنی» هم است - می‌توانست به این داستان گرفتار شده در سکون و رخوت تکانی اساسی بدهد و این سکانس را در مسیر روایت داستان اثر به محملی برای شکل‌گیری یک بحران دراماتیک تبدیل کند. اما پس از پایان این سکانس که با فرار پرسش‌برانگیز و شگفت‌آور «وحید» - برادر «ناصر/علی» - از مهلهک نیز همراه است و روشن هم نمی‌شود که چرا او «ناصر/علی» را به این آسانی رها می‌کند و فراری نمی‌دهد، باز هم موقعیت دو کاراکتر اصلی فیلم تکانی نخورده و همانند پیش از این فصل است. هم‌چنان که اتهام واهی «ناصر/علی» به «صمد» مبنی بر این که هشت کیلو مواد در خانه‌اش جاسازی کرده و نه شش کیلو و احتمال می‌رود که «صمد» دو کیلو آن را برداشته، با توجه به پرونده انضباطی و اتهامی «صمد» از شش‌ماه گذشته، نوید شکل‌گیری یک بحران دراماتیک خوب را می‌دهد؛ اما این فصل طولانی نیز بدون ذره‌ای تأثیرگذاری بر روند پیش‌رفت درام نیز با رفع اتهام از روی «صمد» به پایان می‌رسد. حتی شهادت دروغ «صمد» برای رهایی «حمید» نزد قاضی پرونده‌اش (غلام‌رضا شهسبازی) و پرهیز «حمید» برای شهادت متقابل به‌سود «صمد» در برابر «قاضی پرونده ناصر/علی» (فرهاد اصلانی) کش‌مکش تخت و یک‌نواخت میان دو پلیس فیلم را نیز پیش نمی‌برد. در این میان خط قصه فرعی مربوط به «پسر بی‌چشم دست‌گیر شده» و «پدر افلیج و معلول و دک‌دار و موادفروش‌اش» به‌درج‌ازدن قصه در میانه طولانی و در حال افت‌اش دامن زده و تمام صحنه‌های مربوط به حضور «پسر بی‌چشم بزه‌کار» و «پدرش» را می‌توان از دل فیلم بیرون کشید (چه آن‌هایی که در سلول و ستاندن و چه آن‌هایی که در دادگاه می‌گذرند)، بی‌آن‌که خللی در قصه اثر پدید آید. این ایراد بزرگ فیلم‌نامه «متری شش‌ونیم» برمی‌گردد به این موضوع که «روستایی» - همانند بیش‌تر فیلم‌نامه‌نویسان و کارگردانان آثار جشن‌واره آمسال - نتوانسته یک یا چند رابطه و پیوند عاطفی و دوستانه و عاشقانه را در دل درام اثرش شکل بدهد. کاراکترهای این فیلم همگی تخت‌اند و بدون پرداخت و ما حتی حداقل به خلوت و زندگی شخصی و درونیات آشفته کاراکتر «صمد» نزدیک نمی‌شویم. این در حالی‌ست که پس از رفع اتهام

گفتگوی اختصاصی «گوهر دشت» با ملی پوش البرزی بولینگ در آینده نزدیک، ایران در بولینگ حرف های زیادی برای گفتن خواهد داشت

مجید طاهر خانی متولد ۱۳۵۰ است. وی فعالیت مطبوعاتی اش را از سال ۱۳۷۰ با روزنامه ابرار آغاز کرد و سال های سال در این زمینه فعالیت کرد. او از سال ۱۳۸۶ به صورت اتفاقی با ورزش بولینگ آشنا شد و در حال حاضر عضو تیم ملی بولینگ ایران است که عناوین مختلف استانی، کشوری و جهانی را یدک می کشد. او چند سالی است که مسابقات بولینگ جام رسانه استان البرز را برگزار می کند و هدفش از برگزاری این مسابقات تقویت دوستی ها و بهتر شدن روابط و گذراندن لحظات خوب و بانشاط برای اهالی رسانه است. با او پیرامون فعالیت مطبوعاتی و ورزشی اش و به طور مختصر رشته «بولینگ» گفت و گوی مفصلی داشتیم که در ادامه با هم می خوانیم:

زر نوش محمدی

سردبیر



خودم سه توپ تهیه کردم. با این توپ ها شش ماه تا یک سال می توان بازی کرد و پس از آن باید توپ جدید خریداری شود. در حال حاضر هر توپ حرفه ای بولینگ بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ دلار قیمت دارد. یک بولر حرفه ای، کفش مخصوص هم می خواد که آن هم حدود ۲۰۰ دلار هزینه دارد. ساک می خواد. بهرحال هر شش ماه باید یه چیزی در حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ دلار هزینه کنیم برای وسایل بولینگ. در ایران امکانات نیست و بعضی از دوستان هر کدام یک سال تا یک سال و نیم از این وسایل استفاده می کنند. چیزی در حدود ۳۰ میلیون تومان هزینه وسایل حرفه ای بولینگ می شود.

برای تمرین هم باید هزینه کنید. هفته ای چهار جلسه باید تمرین کنید. هر جلسه هم ۱۰۰ هزار تومان هزینه دارد. حرفه ای ها ماهی دو میلیون تومان باید هزینه کنند مه در سال می شود حدود ۲۴ میلیون تومان.

یک بولر حرفه ای هم اگر بخواهد در مسابقات خارجی آزاد یا رسمی شرکت کند باید هزینه اش را شخصا پرداخت کند. به طور مثال ما سال گذشته که در مسابقات جهانی هنگ کنگ شرکت کردیم، هر کدام چیزی حدود ۵۰ میلیون تومان هزینه کردیم.

عناوین و افتخارات در مسابقات بولینگ

سال گذشته در مسابقات انتخابی هنگ کنگ، نفر اول شدم. به جز من پنج بازیکن دیگر هم شرکت کردند و ما در قالب یک تیم شش نفره به مسابقات اعزام شدیم.

به همراه تیم بولینگ استان البرز در مسابقات باشگاهی کشور شرکت کردم که سال گذشته عنوان سومی مسابقات را به دست آوردیم.

تعداد زیادی از مقام های استانی را توانستم از آن خودم کنم. در سال ۱۳۹۶ عنوان دوم رنکنینگ باشگاه تیرازه را کسب کردم. در مسابقات آزاد شانگ های چین شرکت کردم که البته آنجا نتوانستم مقامی به دست بیاوریم. در مسابقات آنکارا هم شرکت کردم در دو مرحله.

امسال مسابقات آسیایی کویت را داریم که قطعا در مسابقات انتخابی اش شرکت خواهیم کرد. ایران قصد دارد یک تیم کامل شش نفره به این مسابقات اعزام کند.

قصد داریم در مسابقات جهانی کیو بی کا ای ام اف که امسال در جاکارتای اندونزی برگزار می شود، شرکت کنیم. این سری از مسابقات، هر سال در یک کشور برگزار می شود. سال گذشته لاس وگاس آمریکا میزبان بود.

معرفی مختصر ورزش بولینگ

ورزش بولینگ، جذاب و پرهیجان است. به دلیل اینکه شما مدام می خواهی تلاش کنی که عالی ترین امتیاز را به دست بیاوری. بالاترین امتیاز در ورزش بولینگ، امتیاز ۳۰۰ است. اگر تمامی

«دنیای اقتصاد» بودم.

در حال حاضر به صورت خبرنگار و روزنامه نگار آزاد با نشریات مختلف همکاری می کنم. با نشریه «راه فردا» و «آرمان مردم» هم که مدیرش برادرم جمشید طاهرخانی است مشغول فعالیت هستم.

فعالیت های ورزشی

من در دوران نوجوانی چند سالی کشتی و کاراته کار کردم و البته ادامه ندادم. در سال ۱۳۷۸، چون به ورزش علاقمند بودم و پیگیر، در مسابقات فوتسال جام رمضان تیمی معرفی کردم به نام تیم «نشریه تاک». در تیم «تاک» علی کریمی، فرشاد پیوس، شادروان بابک معصومی ملی پوش فوتسال و تتی چنداز فوتسالبست های معروف آن زمان حضور داشتند و ما آن سال نایب قهرمان جام رمضان شدیم.

شروع فعالیت در رشته بولینگ

در سال ۱۳۸۶ به صورت اتفاقی با یک باشگاه بولینگ جهانشهر که تازه راه اندازی شده بود آشنا شدم. رفته بودم با خانواده به صورت تفریحی بازی کنم که از این ورزش خوشم آمد. آنجا مسابقات هفتگی برگزار می شد و من برای اینکه بتوانم در این مسابقات مقام کسب کنم، هر روز می رفتم و تمرین می کردم. به بولینگ خیلی وابسته شده بودم. اشتیاق زیادی پیدا کردم که این ورزش را ادامه بدم و سعی کردم در راستای حرفه ای شدن تمرینات منظمی داشته باشم. توپ های بولینگ را به صورت اختصاصی برای خودم خریداری کردم. در تهران، در مسابقاتی که در باشگاه های اریکه ایرانیان، تیرازه و انقلاب برگزار می شد، به صورت منظم شرکت کردم. در مسابقات باشگاه انقلاب، چندین و چند بار مقام کسب کردم. در جام شادروان کلمبیز کیانی که یکی از قدیمی ترین بولرهای ایران و صاحب سبک و مقام بود، چندین و چند بار عنوان اولی را کسب کردم. در باشگاه تیرازه و اریکه ایرانیان هم چندین بار مقام اول را به دست آوردم.

ادامه فعالیت حرفه ای در رشته بولینگ

برای اینکه بتوانم بولینگ را حرفه ای تر ادامه بدم باید ملزومات آن را تهیه می کردم. از جمله توپ های حرفه ای که هر کدام رقم قابل توجهی قیمت داشت. بولرهای حرفه ای در سطح دنیا هر کدام ۹ توپ دارند. من برای

فعالیت های مطبوعاتی

فعالیت مطبوعاتی را در سال ۱۳۷۰ با روزنامه «ابرار» در کرج شروع کردم. اولین ویژه نامه مخصوص کرج را آن موقع در ۱۶ صفحه در روزنامه ابرار منتشر کردم. سپس به مدت سه سال سرپرست روزنامه «جهان اقتصاد» در کرج بودم.

بعد از آن به مدت ده سال سردبیر نشریه هفتگی «تاک» بودم. آن زمان این نشریه در نوع خودش یکی از نشریات ساختارشکن، پیشرو و تاثیرگذار بود. اولین کاریکاتور در تاریخ مطبوعات کرج در نشریه «تاک» منتشر شد. ما کاریکاتورهایی در موضوعات اجتماعی و مسئولان کرج منتشر می کردیم و به دلیل اینکه کاریکاتورها مفهومی بود، آن زمان سر و صداهایی به پا می شد.

چند سالی هم سردبیر هفته نامه «اندیشه فردا» بودم که مدیرمسئولش دکتر کوزه گر نماینده مجلس ششم بود. بعد از آن رفتم سراغ فعالیت های اقتصادی در تهران و چند سالی هم سرپرست روزنامه



یاد بگیرد و بعد ممارست و تمرین لازم است. تمرین زیاد می خواهد. کسی اگر بخواهد بولر حرفه ای بشود و کسب عنوان و مقام کند، باید تمرین زیاد داشته باشد و همچنین ملزومات حرفه ای هم تهیه کرده باشد.

در ایران متأسفانه به دلیل گران شدن دلار و به دنبال آن تعطیلی فروشگاه وسایل بولینگ، بولرهای حرفه ای برای تمرین و ادامه ورزش حرفه ای، وسایل بولینگ را باید از کشورهای خارجی از جمله ترکیه، دبی یا مالزی تهیه کنند.

مهم ترین فاکتور برای پیشرفت در ورزش بولینگ، تمرکز و دقت بالا است. آمادگی بدنی چندانی نمی خواهد. شما اگر یک بدن سالم داشته باشی، می توانی در هر صورت ۸ گیم را در طول روز بازی کنی. سن ورزش بولینگ از زمانی که نوجوان یا حتی یک کودک می تواند توی رو قل بدهد شروع می شود و تا سن ۹۰ سالگی هم می تواند ادامه داشته باشد.

اتفاقا در سطح دنیا بولرهایی که مقام های خیلی خوبی کسب کرده اند و می توانند از تجربه شان استفاده کنند، در رنج سنی ۴۰ تا ۶۰ سال هستند.

به همین دلیل، سن ۶۰ سال، سن بازنشستگی بولینگ نیست. حتی مسابقاتی هست برای رده سنی ۵۰ سال به بالا که خیلی استقبال هم می شود و امتیازات خیلی خوبی هم به دست می آید. خیلی از بازیکنان بولینگ تا حدود ۸۵ سالگی هم می توانند بازی کنند.

در ایران هم بهر حال چهره های شاخصی بودند در ورزش بولینگ فعالیت می کردند و حتی تا دوران کهنسالی هم ادامه داده اند. از جمله سعید راد که ایشان قبل از انقلاب حتی مدتی هم عضو تیم ملی بوده است.

کمی هم درباره مسابقات منچ

مسابقات منچ در تقویم رسمی ورزشی ثبت نشده و به عنوان مسابقه تا به حال به آن پرداخته نشده است. منچ یک مسابقه تفریحی هست برای شادی و نشاط.

من سال گذشته اولین دوره اش را برای اهالی رسانه کرج در تالار آرش برگزار کردم که استقبال خیلی خوبی از آن شد. بعدها شنیدم در شبکه پنج تلویزیون آقای علی انصاریان هم برنامه ای تولید کرده به نام مسابقه منچ.

بهر حال مسابقات منچ برای شاد کردن و ایجاد نشاط در بین همکاران است و ندیدم جایی این مسابقه به صورت رسمی برگزار بشود و فدراسیونی و تشکیلات و انجمنی داشته باشد.

البته در مسابقه منچ بیشترین امتیاز را «شانس» دارد. شما باید از تاسی که می ریزی امتیازهای خوبی به دست بیاوری. عددهای بالا به دست بیاری. مخصوصاً عدد ۶. اما بازیخوانی هم خیلی مهم است. شما باید بدانی چه زمانی مهره را بیآوری داخل. وقتی چهار نفره بازی می کنی، آیا لازم است وقتی مهره تان رسید به مهره بازیکن مقابل، مهره ایشان را بزنی یا نه. یک سری اصولی دارد که بتوانی بازی را در بیآوری و برنده شوی. بهر حال آنجا هم با توجه به اینکه شانس حرف اول را می زند، باز هم نیاز هست کمی بازیخوانی خوبی داشته باشی.

۲) بخش نرم افزار: می توان از مربی ها و بازیکنان شاخص بولینگ دنیا استفاده کرد که به عنوان مربی به ایران بیایند، آموزش بدهند، در بین نوجوان ها استعداد یابی کنند و این استعدادها را پرورش بدهند. بدون شک ایران در ورزش حرف های زیاد برای گفتن خواهد داشت.

ایده اجرای مسابقات بولینگ رسانه از کجا آمد؟

با توجه به فعالیتم در زمینه روزنامه نگاری که دوستان و همکاران خیلی زیادی داشتند در بین اهالی رسانه، این ایده به ذهنم خطور کرد که یک مسابقه بولینگ برگزار کنم.

آن زمان، کرج باشگاهی داشت به نام باشگاه شهداد در جهانشهر. اولین دوره مسابقات بولینگ را آنجا برگزار کردیم که استقبال خیلی خوبی هم شد. دومین دوره را در تهران و باشگاه شیان و دوره های سوم و چهارم را در باشگاه انقلاب تهران برگزار کردیم. که دوره آخر که اوایل اردیبهشت ماه سال جاری انجام شد و با استقبال بی نظیر اهالی رسانه استان البرز مواجه شد و بازتاب و بازخورد خیلی خوبی داشت.

می خواهم تاکید کنم که هدف برگزاری این مسابقات، دورهمی اهالی رسانه است. اهالی مطبوعات، دور هم جمع بشوند. دیدارها تازه شود و دوستی ها تقویت. و دیگر اینکه لحظات خوب و بانشاطی برای بچه ها ایجاد بشود. اهالی رسانه، فشر زحمت کشی هستند که به لحاظ تلاش و زحمتی که می کشند، کسب درآمد نمی کنند. بهر حال در فضای اقتصادی حاکم بر کشور، خبرنگارها جزو کسانی هستند که به اندازه تلاششون سود نمی برند. برای همین من در این فکر بودم که شرایطی ایجاد کنم که این بچه ها آنجا حالشون خوب باشد و به نشاط و شادی برسند.

با توجه به اینکه استقبال خبرنگارها خیلی بیشتر شده، ما با دلگرمی بیشتری می خواهیم این مسابقات را ادامه بدهیم.

چگونه در ورزش بولینگ حرفه ای شویم

اگر کسی می خواهد به صورت حرفه ای وارد ورزش بولینگ شود، باید برود زیر نظر مربیانی که در حال حاضر در این ورزش در باشگاه های شیان، انقلاب و تیرازه تهران مشغول فعالیت هستند. علاقمندان باید از پایه آموزش درست ببینند. بولرهای حرفه ای چند مرحله آموزشی را یاد می گیرند. اول تایمینگ است. یعنی تعداد گام هایی که برای پرتاب توپ باید برداشته شود. یعنی همزمانی این گام ها با سویینگ یا گرفتن توپ با دست و بردن بالا و آوردنش به پایین و رها کردن. در مرحله آخر بحث فنی داریم به نام ریلیز. یعنی اینکه شما بتوانی از توپت کار بکشی. یعنی توپت رو جوری بچرخونی که روی مغزیش بچرخد. توپ بازیکن های حرفه ای مغزی دارد. چرخش بیش از حد توپ با استفاده از هدف گیری درست که همون بردخوانی است که در اصطلاح حرفه ای یعنی توپ برسد به جایی که بین یک و دو و سه هستند. پکت و بروک. برسد به جایی که جای دقیق ضربه هست و تمام ده تا پین را بریزد. حرفه ای شدن در ورزش بولینگ مستلزم این است که این دوره های آموزشی را طی کنی و این اصول اولیه را

ضربه های شما استراک باشه یعنی در همان ضرب اول، هر ده بین را بریزد و این پشت سر هم ادامه داشته باشد، ۱۲ فرصت ضربه خواهید داشت و در این ۱۲ فرصت اگر بتوانید همه را استرایک کنید، امتیاز عالی ۱۳ را کسب می کنید.

در ایران در کل تاریخ این ورزش، فقط سه چهار نفر موفق شدند که امتیاز عالی ۳۰۰ را کسب کنند. یکی از بولرهای ایرانی که توانست این امتیاز را در خارج از کشور به دست بیاورد، شادروان کامبیز کیانی بود که در مسابقات کاخ سفید موفق شد امتیاز ۳۰۰ را کسب کند. انگشتر ویژه این مسابقات به ایشان تعلق گرفت که این انگشتر در موزه بولینگ باشگاه انقلاب مدتی در معرض دید علاقمندان به این ورزش بود.

به دلیل اینکه ورزش بولینگ هیجان دارد و نیازمند تمرکز و دقت بالاست، من به آن علاقمند شدم و به آن ادامه خواهم داد.

جایگاه ورزش بولینگ در آسیا

ورزش بولینگ در آسیا خیلی پیشرفت کرده است. به طوری که بازیکن های بولینگ کشورهای آسیای جنوب شرقی مثل اندونزی، مالزی، تایلند و کره جنوبی جزو بازیکن های شاخص در سطح جهان هستند.

بولینگ در بین کشورهای غرب آسیا، متأسفانه پیشرفت چندانی نداشته است. سال گذشته بعضی از کشورهای حوزه خلیج فارس در مسابقات جهانی سرمایه گذاری کرده اند و مربی های مطرح بین المللی و بازیکنان شاخص بولینگ که به سطح مربی گری رسیده اند را به عنوان مربی تیم ملی شان جذب کرده و قراردادهای خوبی با آنها بسته اند.

ورزش بولینگ خیلی مدال آور است، تعداد مدال هایی که توسط این ورزش در مسابقات آسیایی، المپیک آسیایی، مسابقات سالانه بولینگ توزیع می شود، ۲۴ مدال است. ۱۲ مدال در قسمت بانوان و ۱۲ مدال در قسمت آقایان. در بخش انفرادی سه مدال توزیع می شه: طلا، نقره و برنز. در بخش تیمی دو نفره سه مدال، تیمی سه نفره سه مدال، تیمی پنج نفره هم سه مدال اهدا می شود و در بخش قهرمان قهرمانان، یعنی کسی که در کل این ۲۴ گیم، توانسته باشد بیشترین امتیاز را کسب کند هم سه مدال توزیع می شود. به همین دلیل این موضوع می طلبد که مسئولان کشور روی این ورزش سرمایه گذاری کنند.

برای پیشرفت ورزش بولینگ در ایران چه باید کرد؟

برای پیشرفت در دو بخش باید سرمایه گذاری شود.

۱) بخش سخت افزار: در ایران باید باشگاه های مدرن و استاندارد روز ساخته شود. دستگاه های اکثر باشگاه هایی که در ایران در این رشته فعالیت می کنند، قدیمی است و از امکانات روز بی بهره هستند. اگر کسی بخواهد به صورت حرفه ای در ورزش بولینگ پیشرفت کند، باید در باشگاه استاندارد بازی و تمرین کند که این امکان در ایران وجود ندارد.

بهر حال اگر فدراسیون، وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک می خواهند سرمایه گذاری کنند، باید بخش خصوصی را به ساخت باشگاه های استاندارد ترغبند کنند.





جستاری در تلاش های انجام شده برای تثبیت شمایل پلیس ایرانی در تلویزیون

به بهانه اکران «متری شیش و نیم»

کار آگاه را چه کسی کشت؟

تفاوتی نمی کند که بارویکردی جدی به ارزیابی فعالیت های پلیس اقدام شود یا از دریچه ای کمدمی جریان جان فشانی های نیروی انتظامی در مهار و کشف بحران های پیامد جرم را ارزیابی کنیم، آنچه در گستره این تجزیه و تحلیل مهم است تلاش گسترده برای تثبیت شمایی ایرانی از پلیس بوده است. البته با وجود تمام تلاش های صورت گرفته، جزئیاتی که از این افراد ارائه شده به نمونه های خارجی پهلوی می زند و پوشش ظاهری یا نوع رفتارشناسی آنها مابه ازای غیر ایرانی دارد و به قولی بومی نیست. اینکه چرا این وضعیت را شاهد هستیم سوالی است که در یک متن تحلیلی پیرامون سینمای پلیسی می گنجد اما در مطلب حاضر سعی می شود تا با گوشه چشمی بر همان ابهام طرح شده، تلاش بازگران در دو نگاه روایی ملودرام و کمدمی برای ارائه تصویری آشنا از پلیس ایرانی را به قضاوت بنشینیم.

نیما بهدادی مهر

نویسنده و منتقد



ترین تصویری است که از پلیس در مجموعه های نمایشی عرضه شده است. موقعیت ارتباطی نقش در یک کاتال سه وجهی از مناسبات با مادر، ارتباط با همکار و برخورد با مظنون و مجرم از شاکله های بومی بهره می برد. به واقع در این مجموعه بعد فضای محیطی تأثیر خوبی را بر بعد بخشی بر رفتارهای اوصیادارد و البته حتی در این نمونه بومی شده نیز وام گیری از نمونه های غیر ایرانی مشهود است و عصای سرهنگ اوصیاء، شمایی شلرک هولمز می به وی می بخشد.

● **کار آگاهان - مهدی هاشمی:** حضور مهدی هاشمی در نقش کار آگاه عجیب ترین تصمیم حمید لیخنده بود. ویژگی های اجرایی هاشمی از منظر نوع مقارنه حسی با شرایط نقش کاتالی متفاوت را طی می کرد و تلاش این بازیگر به دلیل پرداخت ضعیف نقش در سناریو به بار نشست. ترکیب زوجی کار آگاهان میانسال نیز در اینجا به کمک نیامد و نوع متفاوت از پلیس ایرانی چار چوب مند نشد.

● **هوش سیاه - حسین یاری:** برخی بازیگران برای ایفای بعضی نقش ها آفریده نشدند. حسین یاری نیز چندان برای ایفای نقش های پلیسی مناسب به نظر نمی رسد. کاریزمای یک پلیس را ندارد و از جنبه های مختلف پلیسی نیز چندان همسان با وضعیت نقش نیست. چالاکای پلیس را ندارد، تصویرسازی هایش از درک و هوش نقش پلیس در قامت اجرایش نمی نشیند و اساسا بازیگری در فرم ایفای نقش های پلیسی نیست.

● **خواب و بیدار - مجموعه بازیگران نقش پلیس:** مجموعه پلیس های ارائه شده در این مجموعه باز هم به

بر شخصیت سرگرد با ناکامی روبرو شد. شمایل ظاهری بازیگر، نوع برخورد با مجرم و برداشت ظاهری و سطحی از نگاره های یک پلیس وطنی سبب شد تا عملاً تحت تأثیر بازی تخت و یکنواخت نودری پلیسی غربی را مشاهده کنیم.

● **معما - مجید مظفری:** شمایل مجید مظفری و پوشش وی با آن بارانی بلند نمایانگر شمایی مشابه با کار آگاه درک بود. اینکه چرا حتی بازیگری خوب چون او نیز از کلیشه تصویر آشنای پلیس غربی رها نشد به تلقی و برداشتی مرتبط است که از الگوهای نمایشی تنها به عنوان یک بستر جهت تقلید و کپی کاری غیر خلاقانه بهره می برد و سعی در بومی سازی موفق نمونه های پلیسی غیر ایرانی ندارد.

● **هویت - حسن جوهرچی:** وقتی بعد اکتفن کار بیش از پیچ و تاب های ضروری درام در شناساندن شخصیت پلیس اهمیت دارد، حاصل کار چندان قابل دفاع نمی شود و اینگونه است که بازی حسن جوهرچی در سطحی نگرایی های حاد مجموعه مجال عرض اندام نمی یابد و تنها به عنوان یک تجربه محو در تاریخچه مجموعه های نمایشی پلیسی می نشیند.

● **کار آگاه - احمد نجفی:** بارانی بلند و کلاه شاپو به عنوان دو عنصر پوششی رسمی در عهد رضا خان باعث شد تا نقش کار آگاه علوی به عنوان یک نمونه وطنی در نظر آید. بازی نجفی نیز در این امر تأثیر داشت و جنوبی بودن شخصیت، ریزنگره های حسی - رفتاری مشخصی را به قامت نقش نشاناد.

● **سرنخ - جهانبخش سلطانی:** امیر حسین اوصیاء ایرانی

● **مزدتوس - عبدالرضا اکبری:** بازی قابل قبول عبدالرضا اکبری در اولین مجموعه پلیسی جنایی سیما اگر چه در لایه های تو در توی روایت گم شد اما این بازیگر در اجرای نقش با وجهی کاملاً ایرانی به مقابله با شرایط پرداخت. این امر بدین معناست که حس پدرا نه اش سبب شد تا در مواجهه با معمای قتل دخترش و صحنه سازی صورت گرفته برای وی موقعیت ذهنی یک پلیس وطنی را نمایش دهد. اگر چه حتی این نمونه هم از منظر جزئیات رفتار پلیسی (نحوه به دست گرفتن اسلحه، تعقیب و گریز مجرم و...) با نمونه های خارجی قرینه تر به نظر می رسد.

● **شلیک نهایی - دارپوش فرهنگ:** سرگردی که در این مجموعه تصویر شد اگر چه در موقعیت های خانوادگی نمایشی خصوصیات یک مرد ایرانی را داشت اما شمایل پلیسی اش و نیز شیوه های پیگیری معماهای داستانی توسط وی چندان با نمونه های وطنی مقارنه نداشت.

● **دایره تردید - فرامرز صدیقی:** موقعیت داستانی زندگی سرهنگ و دخترش و نیز گروه همکارانش در دایره جنایی نوعی بازنمایی از خاطره ناوارو بود. زنده یاد قویدل با درک درست از شرایط محیطی و به دلیل تمایلات درونی که نسبت به ژانر پلیسی داشت سرهنگی تقریباً ایرانی را ترسیم کرد. سرهنگی که گرد تجربه های کاری بر موهایش نشسته و در یک آرامش و نکته سنجی رازهای جنایت را کشف می کرد. وقار و آرامش دو عنصر کلیدی بودند که صدیقی در ایفای نقش از آنها بهره گرفت.

● **کلاتر - ایرج نودری:** تلاش نودری برای بعد بخشیدن

خبر

سینمای طالقان شهر یور ماه افتتاح می شود

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز گفت: شهرداری جلوی تکمیل پروژه پلاتو در این اداره کل را گرفته است. به گزارش «گوهردشت»، ناصر مقدم در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: در سفر قبلی رئیس جمهور به استان، راه اندازی سه پلاتو در کرج به تصویب رسید.

وی ادامه داد: این محبت حدود دو سال مسکوت مانده و پیگیری نمی‌شد تا اینکه به تغییرات جدید پیگیری برای تخصیص اعتبار جهت راه‌اندازی این سه پلاتو از سر گرفته شد. وی افزود: برای این سه پلاتو دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار در نظر گرفته شده بود که ۸۰۰ میلیون آن تخصیص یافت.

این مسئول خاطر نشان کرد: اردیبهشت سال گذشته در محل اداره کل فضای وجود داشت که به این سه پلاتو اختصاص داده شد.

نقدم گفت: نقشه‌های این پلاتوها با همکاری دفتر فنی وزارت ارشاد و بهره‌گیری از تجربه و تخصص کارشناسان تهیه و پس از اتمام این پروژه وارد فاز عملیاتی شد.

وی اظهار کرد: در حال حاضر این پروژه ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته که هر یک از این سالن‌ها ۲۲۰، ۱۲۰ و ۱۸۰ نفر ظرفیت دارند.

این مسئول خاطر نشان کرد: برای تکمیل این پروژه با شهرداری به مشکل برخوردیم و امید است با حل مشکل پروانه این پروژه هر چه سریع‌تر تکمیل آن از سر گرفته شود. وی در پایان گفت: طالقان فاقد سینما است و به زودی با تخصیص ۱۰۰ میلیون تومان از سوی ارشاد و ۵۰ میلیون تومان از سوی دولت، هفته دولت امسال شاهد افتتاح سینمای طالقان خواهیم بود.

وسعت جنگل‌های باغستان به هزار هکتار می‌رسد

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهردار کرج گفت: درختان کاشته شده در اراضی باغستان به شرایط نامناسب خاک و کم آبی مقاوم هستند.

به گزارش «گوهردشت» پیمان بضاعتی پور در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: جنگلکاری باغستان هم اکنون در حال انجام است و تا پایان اردیبهشت ۷۰ هکتار از آن به پایان می‌رسد.

این مسئول توضیح داد: تا پایان سال ۱۷۰ هکتار دیگر از این اراضی جنگلکاری می‌شود و به این ترتیب سرانه فضای سبز کرج به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد.

وی خاطر نشان کرد: با پایان اردیبهشت پروژه جنگلکاری این اراضی متوقف و با آغاز فصل پاییز مجدداً از سر گرفته می‌شود.

بضاعتی پور ابراز کرد: با کاشت این ۱۷۰ هکتار مجموع مساحت جنگلکاری باغستان به هزار هکتار می‌رسد.

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهردار کرج با اشاره به گونه‌های کاشته شده در این اراضی گفت: درختان کاشته شده در این جنگل اغلب سوزنی برگ مثل کاج، سرو نقره‌ای، سرو تبری و پهن برگانی که به شرایط نامناسب آبی و خاکی مقاوم است.



دلیل آنکه خاستگاه سینمای پلیسی در غرب است چندان ایرانیزه نمی‌شوند. میل به اکشن آفرینی و موقعیت تعقیب و گریزی نیز جنبه‌های غربی بودن نقش‌ها را افزونتر می‌سازد. شوخی‌ها اگرچه ایرانی است اما شرایط فیزیکی و نحوه اجرا به نمونه‌های پر ایرانی گرایش دارد.

● **سقوط آزاد - حامد بهداد:** ممکن است هنوز هم صحبت از بازی بهداد در این مجموعه مناقشه برانگیز باشد. فرم اجرای نقش به دلیل همان ویژگی‌های عجیب و غریب در رفتار واقعی بهداد اگرچه شمایلی نسبتاً متفاوت را از یک پلیس ایرانی به تصویر می‌کشد اما بازی با لحن بهداد برای نمایش درونیات نقش چندان جواب اقناع‌کننده‌ای به دنبال نداشت.

● **وفا - فرهاد اصلانی:** تم جاسوسی مجموعه، تصویری نسبتاً متفاوت از یک پلیس ایرانی عرضه کرد. البته باز هم در موقعیت تعقیب و گریز یا زاویه بدنی پلیس نسبت به هدف و نوع اسلحه به دست گرفتن نشانه‌های آشنای پلیس غربی مشاهده شد.

● **حس سوم - انوشیروان فاطمی:** میل به برون‌نمایی حالت‌های یک پلیس از جمله اقتدار، جدیت و درایت اگرچه اقناع‌کننده است اما باز هم جزئیات رفتاری پلیس از سینمای پلیسی غرب وام گرفته شده است و بدینسان مهمترین فرصت برای خلق یک پلیس وطنی باز هم به بار نمی‌نشیند.

● **پلیس جوان - شهاب حسینی:** وقتی به جوانی آینده‌دار مهمترین نقش یک مجموعه پلیسی را می‌دهیم و در دریای موقعیت‌های داستانی او را سرگردان می‌سازیم، بازیگر چاره‌ای جز اغراق در نقش آفرینی ندارد. این اغراق در میمیک و حالت‌های بدنی بازیگر می‌یابد و نقش پلیس را از وجوه شناسه‌گر وطنی دور می‌سازد.

● **شب دهم - محمود پاک‌نیت:** پلیس مخوفی که مظنونان را در اتاق تمشیت‌گیر می‌انداخت و به اقرار کارهای نکرده‌ها می‌داشت فرصتی مناسب جهت خلق پلیس وطنی عهد رضا خان بود. مجموعه با قرار دادن این پلیس در متن یک جریان جنایی، ابعاد شخصیتی وی از جمله منفعت‌طلبی و فرصت‌طلبی را تصویر کرد و بازی محمود پاک‌نیت در این بستر تماشایی بود.

● **میوه ممنوعه - کاظم بلوچی:** کاظم بلوچی در مجموعه میوه ممنوعه تلاشی جهت خلق یک پلیس با تمام ویژگی‌هایش به کار نمی‌برد. صرفاً تپیی است با دستمالی بر روی صورت و گردن، چشمانی که در موقعیت‌های معمایی - جنایی ریز و درست می‌شود و حضورهای بی‌باری که کمکی به روند روایت نمی‌کند.

● **کارگاه شمنسی و... - پری امیرحمزه:** ترکیب کم‌دی-ملودرام خانوادگی با رگه‌هایی از معمازایی جهت خلق جذابیت سبب ارائه تصویری متفاوت از موقعیت‌های معمایی شد. نوعی مارپل ایرانی که میل به کشف و جستجو دارد و ناخواسته یا خواسته در گیر موقعیت‌هایی رازگونه می‌شود.

● **مرد هزار چهره - مه‌رمان مدبری، پژمان بازغی و اسماعیل سلطانیان:** ترکیب سه شیوه اجرایی در نقش پلیس و ارائه تصویری همدل برانگیز از پلیس ایرانی ویژگی مثبت مرد هزار چهره است. فردی که در موقعیتی ناخواسته در هیبت یک پلیس فرو می‌رود و با برداشت خود از مفهوم نظم و امنیت و برقراری قانون محله‌ای را به هم می‌ریزد بهترین فرصت برای ایجاد موقعیتی داستانی است تا از طریق ارائه تصویری درست از پلیس در برابر آن فرد پلیس نما، شرایطی بینگ پنگی بین بازیگران ایجاد شود. اینگونه بود که سروان شاهین با بازی پژمان بازغی و سرگرد با بازی اسماعیل سلطانیان ترکیبی از جوانی و دیسپلین و خستگی و درایت یک پلیس ایرانی را نشان دادند.

نگاهی به مهم ترین فیلم های بخش های مختلف جشنواره کن ۲۰۱۹

از تارانتینو تا برادران داردن

جشنواره کن هر سال میزبان مجموعه‌ای جذاب و متنوع از آثار فیلم‌سازان مطرح و سینماگران مستعد از سراسر جهان است. در بخش مسابقه کارگردانی چون کوئنتین تارانتینو، کن لوچ، ترنس مالیک، جیم جارموش، برادران داردن، پدرو آلمودوار حضور دارند که رقابت را برای کسب نخل طلا جذاب و نفس گیر کرده است. به گزارش «گوهر دشت» به نقل از ایسنا، در ادامه نگاهی خواهیم داشت به مهم ترین فیلم‌هایی که امسال در بخش مسابقه کن رونمایی می‌شوند:



روزی روزگاری در هالیوود (کوئنتین تارانتینو)

نهمین فیلم بلند «کوئنتین تارانتینو» که در روزهای آخر به فهرست فیلم‌های بخش رقابتی جشنواره کن اضافه شد، یک کمدی-درام سیاه با بازی «لئوناردو دی کاپریو» و «برد پیت» در نقش‌های اصلی است که داستان یک ستاره تلویزیونی رو به فراموشی و بدلکار او را در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی روایت می‌کند، درست در همان زمانی که لس‌آنجلس در تب و تاب قتل‌های خانواده «منسون» قرار داشت. این خانواده تبهکار به سرکردگی «چارلز منسون» در ۸ اگوست ۱۹۶۹ در یک شب چندین نفر را در یک سکونت‌گاه هالیوودی متعلق به «رومن پولانسکی» کارگردان مطرح لهستانی-فرانسوی سلاخی کردند که یکی از این افراد «شارون تیت» همسر باردار «رومن پولانسکی» کارگردان مطرح سینما بود. «پولانسکی» تا مدتی تصور می‌کرد «بروس لی» قاتل همسرش است.

متاسفیم جا ماندی (کن لوچ)

«کن لوچ» کارگردان مطرح انگلیسی که با فیلم قبلی‌اش «هن، دنیل بلیک» توانست برای دومین بار نخل طلای بهترین فیلم جشنواره کن را کسب کند، این بار با فیلمی به نام «متاسفیم جا ماندی» به کن بازگشته که فیلمنامه آن را «پل لاورتی» همکار دیرینه «کن لوچ» نوشته است. فیلم داستان یک تحویل دهنده فقیر و همسرش را روایت می‌کند که برای گذران زندگی در انگلیس کنونی تلاش می‌کنند.

پرتره یک بانو روی آتش (سلن سیاما)

در این فیلم فرانسوی به کارگردانی «سلن سیاما» که برای کسب نخل طلا رقابت می‌کند، «نومی مرلانت» در نقش یک نقاش جوان بازی می‌کند که از او خواسته شده تصویری پرتره از یک زن جوان با بازی «ادل هائل» را بکشد بدون اینکه وی متوجه این کار شود.

جو کوچک (جسیکا هاسنر)

«امیلی بیچام» و «بن ویشا» در داستان تمثیلی و آینده‌نگر فیلم «جو کوچک» به کارگردانی «جسیکا هاسنر» نقش‌های اصلی را بازی می‌کنند. داستان این فیلم درباره یک متخصص اصلاح نژادی گیاهان است که گلی به نام «جو کوچک» را پرورش می‌دهد که برای هر کس که بتواند آن را پرورش و رشد دهد شادی و خوشبختی به ارمغان می‌آورد.

مُرده‌ها نمی‌میرند (جیم جارموش)

«جیم جارموش» فیلمساز محبوب کن امسال با فیلم زامبی-کمدی و کابوس گونه «مُرده‌ها نمی‌میرند» جشنواره را افتتاح خواهد کرد. در شهر خواب آلود و کوچک «سنترویل» چیزی سر جایش قرار ندارد، ماه بسیار

روانشناختی نیز درباره کارگردانی به نام «سالوادور مالو» است که در عرصه حرفه‌ای خود رو به افول است و به همین دلیل نگاهی به زندگی و انتخاب‌هایش در گذشته دارد: دوران کودکی در دهه ۱۹۶۰ و مهاجرت همراه با خانواده در جستجوی خوشبختی، تجربه اولین عشق در دهه ۱۹۸۰، درد و رنج جدایی، نویسندگی به عنوان درمان و فراموش کردن گذشته، کشف سینما، مواجهه با عدم امکان پذیری فیلمسازی و ...

یک زندگی پنهان (ترنس مالیک)

«ترنس مالیک» که در ۱۰ سال گذشته بیشتر وقت خود را صرف مطالعات شخصی کرده حالا آماده است تا بار دیگر نگاه خود را با دنیای بیرون به اشتراک بگذارد. «یک زندگی پنهان» فیلمی در بحبوحه جنگ جهانی دوم و درباره عشق، فداکاری و سرنوشت و درباره مردی است که به دلایل اعتقادی از حضور در ارتش باز می‌ماند «ترنس مالیک» که فیلمساز کم کاری است در سال ۲۰۱۱ با فیلم «درخت زندگی» برنده نخل طلای جشنواره کن شد.

آتالانتیک (ماتی دیوپ)

در میان چهار کارگردان زنی که امسال با فیلم‌هایشان در بخش رقابتی کن پذیرفته شده‌اند، «ماتی دیوپ» اولین زن کارگردان سیاه پوستی است که برای کسب نخل طلا رقابت می‌کند. فیلم او با عنوان «آتالانتیک» بر اساس مستندی ساخته خود وی با همین نام در سال ۲۰۱۹ است و روایتگر داستان زنی است که همسرش در تلاش برای مهاجرت به اروپا در دریا غرق می‌شود.

بزرگ و نزدیک است و ساعت‌های روز غیرقابل پیش بینی شده است و حیوانات رفتارهای غیرمعمول از خود نشان می‌دهند و هیچکس نمی‌داند دلیل این اتفاقات چیست و ... «بیل مورای»، «آدام درایور»، «تیلدا سوئینتون»، «استیو بوشمی»، «دنی گلوور» از بازیگران این فیلم هستند.

فرانکی (آیرا ساکس)

جشنواره فیلم کن را نمی‌توان بدون حضور «بزابیل هویبر» متصور شد و این بازیگر سرشناس امسال نیز با فیلم «فرانکی» به کارگردانی «آیرا ساکس» به کن بازگشته است. داستان این فیلم روایتگر اتفاقاتی است که برای یک خانواده در تعطیلات در کشور پرتغال روی می‌دهد و «برندن گلیسون»، «ماریسا تومی» و «گرگ کینر» دیگر بازیگران این فیلم هستند.

احمد جوان (برادران داردن)

برادران «داردن» از زمان کسب اولین نخل طلا با فیلم «روزتا» در سال ۱۹۹۹، همه آثار خود را در کن رونمایی کرده‌اند. فیلم جدید این دو با نام «احمد جوان» روایتگر داستان پسر جوان بلژیکی است که به سمت افراط‌گرایی مذهبی رفته است. این فیلم یادآور ساخته‌های نخست «برادران داردن» است که در آن نقش اصلی بر عهده یک بازیگر جوان و ناشناخته است.

درد و شکوه (پدرو آلمودوار)

«آلمادوار» در جدیدترین فیلم خود به نام «درد و شکوه» برای هشتمین بار با «نتونیو باندراس» و برای ششمین بار با «پنه لویه کروز» همکاری کرده است و داستان این فیلم



خبر

صعود ۱۷ پله‌ای ریکرو بانوان در جهان

تیم ملی ریکرو بانوان کشورمان در آخرین رده‌بندی فدراسیون جهانی با ۱۷ پله صعود در جایگاه هجدهم جهان ایستاد.

به گزارش «گوهردشت» به نقل از ایسنا، در پایان مرحله دوم کاپ جهانی تیروکمان در چین، رنکینگ جهانی کمانداران توسط فدراسیون جهانی اعلام شد که بر این اساس تیم ریکرو بانوان ایران پس از کسب جایگاه چهارم در چین، با ۱۷ پله صعود در رده هجدهم جهان ایستاد. بانوان در بخش ریکرو بانوان نیز صعود چشمگیری در رنکینگ جهانی داشتند. جایگاه کمانداران ایران در رنکینگ جهانی به شرح زیر است:

ریکرو انفرادی بانوان:

- ۷۴- زهر نعمتی با ۱۱۰ پله صعود
- ۱۲۲- نیلیوفر علیپور با ۱۱۵ پله صعود
- ۱۳۳- شیوا شجاع مهر با ۳۳ پله صعود
- ۱۴۵- پارمیدا قاسمی با ۹ پله سقوط

ریکرو تیمی زنان:

۱۸- ایران با ۱۷ پله صعود

میکس ریکرو:

۲۶- ایران با دو پله صعود

ریکرو انفرادی مردان:

- ۱۴۹- صادق اشرفی با ۷ پله سقوط
- ۲۴۵- امین پیرعلی با ۲۷ پله صعود
- ۲۶۳- رضا شبانی با ۶۸ پله صعود
- ۳۸۲- کبودانی با یک پله صعود

ریکرو تیمی مردان:

۳۳- ایران بدون تغییر جایگاه

کامپوند انفرادی زنان:

۱۴۰- ویدا کلیمیان با ۳۵ پله صعود

میکس کامپوند:

۱۲- ایران با ۳ پله صعود

کامپوند انفرادی مردان:

- ۲۲- اسماعیل عبادی با ۳ پله سقوط
- ۳۱- نیما محبوبی با ۲ پله سقوط
- ۵۷- صالح پالیزبان با ۸۱ پله صعود

کامپوند تیمی مردان:

۱۳- ایران بدون تغییر



پرسپولیس برای سومین سال پیاپی قهرمان لیگ برتر شد

هت تریکِ پرسفور

پرسپولیس تهران موفق شد با شکست پارس جنوبی جم، با ۶۱ امتیاز برای سومین سال متوالی قهرمان لیگ برتر ایران شود.

به گزارش «گوهردشت» در آخرین هفته رقابت‌های لیگ برتر ایران، شاگردان برانکو ایوانکوویچ روز پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت موفق شدند در شهر جم، با شکست پارس جنوبی، یکبار دیگر به قهرمانی دست یابند. تک گل این بازی را ماریو بودمیر بازیکن کروات پرسپولیس در دقیقه ۴۱ و روی پاس مهدی ترابی به ثمر رساند. سرخپوشان تهرانی که نیم فصل نخست رقابت‌های امسال را با پنجره بسته و بدون جذب بازیکن جدید به سختی به نیم‌فصل رسانده بودند، با پیروزی در مقابل زردپوشان پارس جنوبی جم، برای دومین بار از عنوان قهرمانی خود دفاع کردند.

در دیگر بازی مهم هفته پایانی لیگ ایران، سپاهان اصفهان که شانس اندکی برای قهرمانی داشت، موفق شد حریف

سقوط کرده خود به دسته پایین تر یعنی استقلال خوزستان را با نتیجه ۰-۲ در اصفهان شکست دهد. با وجود این پیروزی شاگردان امیر قلعه نویی با ۵۸ امتیاز و ۳ امتیاز کمتر از پرسپولیس در رده دوم قرار گرفتند. بعد از تیم‌های پرسپولیس و سپاهان، استقلال تهران هم که با برد در مقابل دیگر تیم سقوط کرده لیگ، یعنی سپیدرود رشت، موفق شد با ۵۷ امتیاز در رده سوم قرار گیرد. همچنین استنلی کبروش مهاجم برزیلی سپاهان اصفهان به همراه هموطنش لوسیانو پیرا که در تیم فوتبال فولاد خوزستان توپ می‌زند با به ثمر رساندن ۱۶ گل به صورت مشترک به عنوان آقای گلی رقابت‌های لیگ امسال دست یافتند. همچنین در پایان رقابت‌های امسال لیگ برتر ایران، تیم‌های استقلال خوزستان و سپیدرود رشت به دسته اول سقوط کردند و سال آینده، تیم‌های شاهین بوشهر و گل گهر سیرجان به جای این دو، در رقابت‌های لیگ برتر حاضر خواهند بود.

جدول رده بندی پنج تیم برتر سه دوره اخیر لیگ برتر

۱۳۹۵ - ۱۳۹۶			۱۳۹۶ - ۱۳۹۷			۱۳۹۷ - ۱۳۹۸		
نام تیم	امتیاز	تفاضل	نام تیم	امتیاز	تفاضل	نام تیم	امتیاز	تفاضل
(۱) پرسپولیس	۶۶	+۳۲	(۱) پرسپولیس	۶۵	+۳۳	(۱) پرسپولیس	۶۱	+۲۲
(۲) استقلال	۵۷	+۱۸	(۲) ذوب آهن	۵۵	+۱۶	(۲) سپاهان	۵۸	+۲۶
(۳) تراکتورسازی	۵۶	+۱۴	(۳) استقلال	۵۴	+۲۵	(۳) استقلال	۵۷	+۲۷
(۴) ذوب آهن	۴۶	+۹	(۴) سایپا	۵۴	+۶	(۴) پدیده	۵۶	+۱۶
(۵) سپاهان	۴۵	+۴	(۵) پارس جنوبی	۴۷	+۱۰	(۵) تراکتورسازی	۵۲	+۱۷



گزارش تصویری | میلاد فیروزان

چهارمین دوره مسابقات بولینگ جام رسانه البرز



عکس: مهشید معراجی

